

وجه فعل در فارسی امروز

دکتر جلال رحیمیان
دانشگاه شیراز

چکیده

نگاهی گذرا بر آنچه در منابع گوناگون دستور زبان فارسی در زمینه وجه فعل به رشته تحریر در آمده است نگارنده را بر آن داشت تا با زرف نگری بیشتری نسبت به گذشته مقوله مزبور را مورد بررسی قرار دهد و ابعادی را که در ارتباط با وجه فعل مبهم یا ناگفته مانده است بررسی و توصیف نماید. نویسنده طی این تحقیق، ضمن نقدی مختصر بر معتبرترین منابع فارسی در این زمینه به توصیف وجه و انواع آن در فارسی امروزی پردازد و سپس ارتباط آنرا با مفاهیمی چون وابستگی و دستوری شدگی تشریح می نماید. در این مقاله بین وجه به عنوان مقوله ای معنایی و وجه به منزله مقوله ای صوری تمایز روشن ایجاد می شود. وجه از نظر معنا اصولاً به نگرش متکلم به وقوع یک واقعه اطلاق می شود. وجه از نظر صورت به دو دسته کلی اخباری و غیر اخباری تقسیم می شود. وجه اخباری تنها یک عضو، و وجه غیر اخباری دو عضو دارد که به ترتیب عبارتند از: اخباری، التزامی و امری. وجه فعل گاهی بر وقوع بی قید و شرط رخداد و زمانی بر وقوع مشروط آن دلالت دارد که بر این اساس جملات موجود زبان به وابسته و غیر وابسته دسته بندی می شوند.

انتظار نمی رود که در همه زبانها برای بیان هر رخداد از یک وسیله دستوری معین استفاده شود، اما می توان گفت که برخی از مقولات معنایی با ابزار خاص دستوری از قبیل صورت خاصی از فعل، وند های گوناگون، قیود و غیره بیان می شوند. این همان چیزی است که در این مقال تحت عنوان "دستوری شدگی" مورد بحث قرار می گیرد.

۱. مقدمه

مروری بر منابع معتبر فارسی، ضرورت بازنگری مقولهٔ وجه^۱ و ارتباط آن با مفاهیم وابستگی^۲ و دستوری شدگی^۳ را در فارسی امروز نشان می‌دهد. ما ضمن توصیف انواع وجه و نقش‌های مربوطه، تمایزی آشکار بین جنبهٔ صوری وجه و جنبهٔ معنایی آن ایجاد خواهیم نمود. همچنین نشان خواهیم داد که وجه از نظر صوری، همواره بر اساس فعل جمله قابل تعریف است.

در این مقاله ابتدا نگاهی اجمالی به آنچه دستور نویسان مشهور زبان فارسی در زمینهٔ وجه به رشتهٔ تحریر در آورده اند می‌افکنیم. سپس با توجه به موقعیت کنونی فارسی، به تبیین مفاهیم فوق و روابط بین آنها خواهیم پرداخت.

۲. پیشینهٔ کار

خانلری (۱۹۸: ۱۳۶۶) تحت عنوان وجوه فعل، وجه را به شیوه ای از استعمال فعل اطلاق می‌کند که گوینده بوسیلهٔ آن موقعیت خود را نسبت به جریان فعل بیان می‌دارد. وی پنج نوع وجه، که عبارتند از اخباری، التزامی، شرطی، امری و تمنائی، برای زبان فارسی بر می‌شمارد. او در تعریف وجه اخباری می‌گوید که گوینده با استفاده از این وجه از فعلی که در یکی از زمان‌های گذشته، حال یا آینده واقع می‌شود خبر می‌دهد. وی صورت‌هائی چون **آمد، می‌آید و خواهد آمد** را نمونه‌هائی از وجه اخباری می‌داند. از نظر خانلری وجه التزامی "شیوه ای از بیان فعل است که گوینده از طریق آن مفاهیمی چون قصد، اختیار، تردید، پیش‌بینی، فرض، منع، شرط یا موافقت خود را بیان می‌دارد. در این باره وی به صورت‌هائی چون **باید بروم، تا چه کند، بگو بیاید** اشاره دارد. خانلری (۱۹۹: ۱۳۶۶) در ادامه بیان می‌دارد که این وجه را از آن جهت که همیشه در استعمال ملازم یعنی همراه و وابسته به فعل دیگری است، التزامی می‌خوانند. خانلری شرطی را وجهی برای بیان فعلی می‌داند که به صورت فرضی مطرح می‌شود. در این زمینه وی به ساختی چون **اگر درس بخوانی در امتحان موفق می‌شوی** اشاره دارد. برای خانلری وجوه امری و تمنائی به ترتیب صورت‌هائی هستند که برای دادن فرمان و آرزوی وقوع فعلی بکار می‌روند. وی در این باره بترتیب به صورت‌هائی از قبیل **برو و مکناد** اشاره دارد.

تعریف خانلری (۱۹۸: ۱۳۶۶) از وجه به شکلی است که علاوه بر وجه، مقولات دیگری از قبیل نمود و زمان را هم شامل می‌شود. برای مثال می‌گویید که "به وسیلهٔ وجه اخباری، گوینده از فعلی خبر می‌دهد که در زمان گذشته روی داده، یا اکنون در جریان وقوع است، یا پس از گفتار انجام خواهد گرفت: **آمد، برد، می‌آید، می‌برد، خواهد آمد، خواهد سرد**، و جز اینها". از این رو می‌توان گفت که تعریف خانلری از وجه جامع و مانع نیست.

اساساً تعاریف خانلری از وجه بیشتر ذهنی است تا صوری. یکی از پی آمدهای این نوع نگرش این است که وی دو بر چسب التزامی و شرطی را برای یک وجه خاص بکار می برد. به عبارتی دیگر هیچ نوع تفاوتی صوری بین فعلی با وجه التزامی و فعلی که وی شرطی می نامد وجود نخواهد داشت.

توصیف ایشان از پدیده شرطی این مطلب را به ذهن متبادر می کند که برای تشخیص بعضی از وجوه، توجه به صورت فعل به تنهایی کافی نیست و باید عناصر غیر فعلی دیگری از قبیل **اگر** را هم مد نظر داشت، در غیر این صورت وجهی بنام شرطی در فارسی وجود نخواهد داشت.

بر اساس تعریف خانلری (۱۹۹:۱۳۶۶)، صورت هائی چون **خواننده بودی** در مثال **اگر درس خواننده بودی در امتحان موفق می شدی** دارای وجه شرطی است. در این صورت هیچ تفاوتی صوری بین وجه اخباری و وجه التزامی وجود نخواهد داشت که این امر با واقعیت فارسی امروز سازگار نیست.

اگر به تبع خانلری (۱۹۹:۱۳۶۶) بپذیریم که "وجه امری صورتی از فعل است که با آن فرمانی داده می شود" آنگاه ناگزیریم علاوه بر صورت های سنتی مثل **برو، بیسا، بنشین**، صورت های فعلی زیر را هم که متکلم بوسیله آنها از مخاطب انجام عملی را طلب می کند امری تلقی کنیم، که این به معنای عدم وجود تفاوتی صوری بین وجه اخباری و امری خواهد بود. این هم دلیلی دیگر بر ذهنی بودن تعاریف خانلری است:

۱) الف. قاضی: حضار به آرامش دعوت می شوند.

ب. پدر: حسن! من ترا به اطاعت از برادرت توصیه می کنم.

ج. پدر: علی! تو امروز در خانه میمانی و به انجام تکالیفت می پردازی

باطنی (۱۳۶۴) بدون ارائه تعریفی از وجه از وجوه امری، التزامی، اخباری و غیر شخصی در فارسی سخن می گوید. با توجه به مثال های باطنی، سه وجه اول تنها بر پایه فعل قابل تشخیص است، در حالی که آنچه او به وجه غیر شخصی تعبیر می کند براساس گروه فعلی تعیین می شود، یعنی در نظر باطنی (۱۳۶۴) صورت **رفت** در ساختی چون: **می شود رفت** وجه غیر شخصی است.

علیرغم طبقه بندی فوق، باطنی در بحثی راجع به دستگاه های فعلی نمونه هائی از صورت های غیر شخصی را مطرح می کند که آنها را اخباری و التزامی می نامد که در تناقض آشکار با تحلیلی است که وی در صفحات قبل ارائه می دهد. وی (۱۳۱:۱۳۶۴) در این زمینه، زیر عنوان **طبقه غیر شخصی** چنین می گوید: "گروه های این طبقه [غیر شخصی] از نظر وجه به دو زیر طبقه تقسیم می شوند: التزامی و اخباری."

بدین صورت خواننده در تشخیص ماهیت واقعی وجه در فارسی دچار سردرگمی می شود چگونه است که وجوهی از قبیل التزامی، اخباری و باصطلاح غیرشخصی در جایی در تقابل با

یکدیگر قرار می‌گیرند، و در جایی دیگر با یکدیگر جمع می‌شوند. به بیانی دیگر یک صورت واحد چگونه می‌تواند در عین اخباری یا التزامی بودن غیر شخصی هم باشد؟ ما در زیر خواهیم گفت که اساساً در فارسی مقوله‌ای صوری بنام وجه غیر شخصی وجود ندارد.

بنا به قول شفائی (۱۳۶۳:۸۸) "وجه عبارت از مناسبات گوینده یا نویسنده نسبت به طرز اجرای عملی است که توسط فعل بیان می‌گردد." وی اضافه می‌کند که "هر گاه این مناسبات با وسایل گرامری (مرفمهای شکل ساز) بیان شود آنگاه زمره گرامری وجه بوجود می‌آید."

نکته جالب توجه تمایزی است که شفائی بین بعد معنایی و بعد صوری وجه ایجاد می‌نماید. بر اساس نظر شفائی می‌توان گفت که طرز اجرای عمل در مثال‌های زیریکسان است و همگی گونه‌های ماضی، حال و مضارع) و مستقبل وجه اخباری به حساب می‌آیند:

۲) الف. رضا کار کرد	[ماضی مطلق]
ب. رضا کار می‌کرد	[ماضی استمراری]
ج. رضا کار کرده است	[ماضی نقلی]
د. رضا کار کرده بود	[ماضی مقدم]
ه. رضا کار می‌کند	[حال و مضارع]
و. رضا کار خواهد کرد	[مستقبل]

در ارتباط با توصیف شفائی، ذکر دو نکته ضروری است:

۱. از تعریف فوق، ممکن است خواننده چنین استنباط کند که مقوله وجه تنها در ارتباط با افعالی که بر عملی دلالت دارند قابل طرح است.

۲. شفائی آشکارا بیان نمی‌کند که آیا مرفمهای شکل ساز که نشانگر زمره گرامری وجه هستند همواره در فعل واژگانی هستند یا اینکه می‌توانند در افعال کمکی هم باشند. به بیانی دیگر آیا همواره فعل اصلی مشخص کننده وجه است یا اینکه فعل کمکی هم می‌تواند این وظیفه را بعهده بگیرد؟ برای مثال، باید مشخص کرد که در موارد (ج۲)، (د۲) و (و۲) کدام عنصر نشانگر وجه است.

از بحث شفائی (۱۳۶۳:۸۹) در زمینه اسم مفعول، و مصدر چنین استنباط می‌شود که شکل‌های **کار کرده** و **کار** ---- در جملات (ج۲)، (د۲) و (و۲) نشانگر وجه نیستند و اصولاً باید عنصر دیگری وجه را مشخص کند. در جای دیگر همین مقال بدین سؤال پاسخ خواهیم داد.

وحیدیان کامگار (۱۳۷۳:۴) می‌گوید که "هیچ یک از دستور نویسندگان بدین نکته که در فارسی یک ماضی التزامی وجود دارد و آینده التزامی هم وجود دارد نپرداخته است." وی هدف خود را بررسی این نکته می‌داند. به هر حال وی دو نکته مهم را از نظر دور می‌دارد:

۱. تمایز بین وجه به عنوان مقوله‌ای معنایی و وجه به عنوان مقوله‌ای صوری.

۲. تبیین این که آیا وجه از ویژگی‌های کلمه فعل، گروه فعلی یا کل جمله است.

۳. تعریف وجه

به پیروی از معیارهای زبان‌شناسی جدید، ما تمایزی آشکار بین وجه به عنوان مقوله ای معنایی و وجه به منزله مقوله ای صوری قائلیم (رک: هادلستون، ۱۹۹۳).

۳.۱. وجه از نظر معنا

از جهت معنایی، وجه اساساً به نگرش متکلم به وقوع یک رخداد اطلاق می شود^۴:

۳ الف. مهدی دارد گزارش را می خواند

ب. مهدی گزارش را بخواند؟

ج. مهدی/گزارش را بخوان

جمله ای چون (۳ الف)، حاکی از اعتقاد بدون قید و شرط گوینده به وقوع رخداد است. به بیانی روشن تر مهدی وقوع واقعه ای را بدون هیچ قید و شرطی اعلام می دارد. (۳ ب) وسیله ای است که گوینده از طریق آن برای مهدی جهت خواندن گزارش کسب تکلیف میکند. در جمله (۳ ج)، گوینده وقوع رخداد را تأیید نمی کند بلکه نیاز به وقوع آنرا مطرح می سازد. بنا براین می توان گفت که نگرش گوینده به هر کدام از موارد (۳ الف-ج) متفاوت است. به بیانی فنی تر، هر کدام از موارد فوق دارای وجهی متفاوت است.

۳.۲. وجه از نظر صورت

با توجه به صورت، وجوه فعل فارسی را می توان به دو دسته کلی اخباری و غیراخباری تقسیم نمود. فعل واژگانی خود ایستا^۵ که یا با پیشوند فعلی می- همراه باشد و یا پیشوند فعلی ب- را نپذیرد مسلماً دارای وجه اخباری است. بنابراین وجه افعال زیر همگی اخباری است:

۴. حسن به مدرسه می رود/ می رفت/ رفت

هر گاه فعل واژگانی خود ایستا با پیشوند فعلی ب- همراه باشد یا بتواند بدون هیچ تغییر معنایی آنرا بپذیرد در اصطلاح می گوئیم که وجه آن فعل غیر اخباری است:

۵. حسن باید خود را با این شرایط تطبیق بدهد/ دهد

وجه اخباری تنها دارای یک عضو می باشد که به همین نام خوانده می شود. اما وجه غیر اخباری دو عضو دارد که عبارتند از التزامی و امری^۶:

۶ الف. باید نامه را بنویسی ب: نامه را بنویس

علامت دوم شخص مفرد در وجوه التزامی و امری بترتیب واژههای 'ای = \dot{i} و ϕ می باشد که این خود ملاکی برای تشخیص دو وجه مذکور از یکدیگر است. بر اساس بحث فوق می توان گفت که وجوه فعل فارسی مجموعاً سه می باشد که عبارتند از وجوه اخباری، التزامی و امری (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱

وجه فعل فارسی

گونه های فعل از نظر وجه	
غیر اخباری	اخباری
امری	التزامی

۴. وابستگی

وجه فعل گاهی بر وقوع بی قید و شرط رخداد و زمانی بر وقوع مشروط آن دلالت دارد. مثلاً جمله (۳ الف) خبر از وقوع بی قید و شرط واقعه می دهد. چنین جمله هائی را غیر وابسته^۷ می خوانیم. بر عکس در جملاتی چون (۳ ب-ج) وقوع رخداد از اختیار گوینده خارج و مشروط به شرط یا شروطی است. این نوع جملات را وابسته^۸ می نامیم:

وابستگی جمله تنها به صورت فعل مربوط نمی شود بلکه عوامل دیگری نیز از قبیل نوع فعل، وجود بعضی از قیود و یا حتی واژگانی خاص در بیان وابستگی نقش به سزا دارند. این عوامل عبارتند از:

۱. افعالی از قبیل فکر میکنم، حدس می زنم، گمان می کنم، به نظر می رسد، ضرورت داشتن و امثالهم بیانگر وابستگی وقوع رخداد می باشند:
 - ۷ الف. فکر می کنم رضا جواب را می داند
 - ب. حدس می زنم مهدی به اینجا بیاید
۲. قیودی چون شاید، احتمالاً، حتماً، ضرورتاً و غیره نیز بیانگر وابستگی رخداد می باشند:
 - ۸ الف. منصوصاً احتمالاً از این موضوع خبر دارد
 - ب. مهدی حتماً پول را به تو پس می دهد
۳. کلماتی از قبیل اگر نیز وقوع رخداد را وابسته به تحقق شرط یا شروطی می سازند. مثلاً در جمله زیر مهدی در صورتی علی را یاری می دهد که علی از او تقاضای کمک کند:
 ۹. اگر علی تقاضای کمک کند مهدی او را یاری می دهد

۵. دستوری شدگی مقولات معنائی

مطالعات رده شناسی زبانها نشان می دهد که تمام مقولات معنائی در همه زبانها دستوری شده^۹ نیستند، یعنی همگی به ابزار خاصی برای بیان وقایع گوناگون مجهز نمی باشند. آنچه می توان به یقین ادعا کرد این است که در زبان های گوناگون تنها برخی از مقولات مزبور دستوری شده اند. به هر حال تعداد مقولات دستوری شده در همه زبانها ضرورتاً یکسان نیست (سداک و زویکی، ۱۹۸۵).

ابزار دستوری ممکن است صورت خاصی از فعل، وندهای گوناگون، قیود، صفات، افعال معین و حتی افعالی که به همراه فعل اصلی جمله بکار میروند باشد.^{۱۰} مثلاً در زبان انگلیسی برای بیان مقوله معنایی عادت در گذشته از عبارت *used to* استفاده می شود. از همین رو می گوئیم که در انگلیسی مقوله مزبور دستوری شده می باشد:

15). *I used to meet him once a week*

چون در زبان فارسی، بر خلاف انگلیسی، صورت خاصی برای بیان عادت در گذشته وجود ندارد بنا براین می توان گفت که مقوله فوق در زبان فارسی دستوری نشده است. بر عکس، مقوله معنایی دعا در فارسی دستوری شده و در انگلیسی دستوری نشده است و بنابراین صورت دستوری خاصی برای بیان جمله زیر در انگلیسی وجود ندارد:

۱۰). خیر ببینی

همان گونه که در بخش بعد خواهیم گفت، در فارسی بسیاری از مقولات معنایی توسط صورت خاصی از فعل بیان می شود که هر صورت نمایانگر یک وجه است.

به هر حال باید توجه داشت که بخش عظیمی از وجوه معنایی را نمی توان تنها از طریق صورت خاصی از فعل بیان کرد. مثلاً برای بیان رویدادی که احتمالاً قبل از زمان صحبت اتفاق افتاده است یا بعد از آن واقع خواهد شد، تنها استفاده از صورت خاصی از فعل کفایت نمی کند و گوینده ناگزیر از به کارگیری کلماتی چون *شاید*، *احتمالاً* و *امثالهم* است:

۱۱) الف. مهدی شاید گزارش را بخواند/ خوانده باشد

ب. مهدی احتمالاً گزارش را خوانده است/ می خواند/ خواهد خواند

گاهی ممکن است که گوینده وقوع رویدادی را در زمان منطقی گذشته، حال یا آینده آرزو کند. در این موارد اغلب از کلمه ای چون *کاشکی* استفاده می شود:

۱۲). کاشکی مهدی دیروز/ الان/ فردا/ گزارش را می خواند

۶. وجه و زمان دستوری

۱. ۶. وجوه اخباری

تا آنجا که به جملات ساده و بدون فعل کمکی مربوط می شود، وجه اخباری را می توان تنها با دو صورت گذشته (گ) یعنی گذشته تام و گذشته استمراری و یک صورت غیر گذشته (غ گ) یا مضارع بکار برد:

۱۳) الف. حسن ماشین را می فروشد [غ گ]

ب. حسن ماشین را می فروخت [گ]

ج. حسن ماشین را فروخت [گ]

فعل گذشته استمراری با وجه اخباری را می توان با فعل معین *باید* و یا کلماتی چون

شاید و *کاشکی* که نوعی وابستگی را بیان می کنند بکاربرد^{۱۱}:

۱۴) الف. حسن باید خانه را می فروخت

ب. [اگر اصرار می کردم] شاید خانه را می فروخت

ج. کاشکی خانه را می فروختم

فعل گذشته تام را می توان با کلماتی چون شاید بکار گرفت:

۱۵). شاید فردا خانه را فروختم

فعل غیر گذشته با وجه اخباری ممکن است با فعل کمکی داشتن و یا کلماتی چون شاید

همراه شود:

۱۶) الف. حسن داشت ندارد کتاب می خواند

ب. شاید ار تو خوشش می آید

همان گونه که در این مثالها دیدیم، صورت های گوناگون وجه اخباری نیز می توانند بدون

وجود فعل کمکی بیانگر وابستگی باشند.

۲.۶. وجوه غیر اخباری

وجه التزامی اغلب بیانگر وابستگی فعل است. در این کاربرد وجه مزبور معمولاً یا در بندهای

پیرو ظاهر می شود و یا با فعل معین باید، و حتی عناصری از قبیل شاید همراه می گردد:

۱۷) الف. شاید به دیدن حسن بروم

ب. باید کتاب را پس بدهم

ج. می خواهم این کار را خودم شخصاً انجام بدهم

به هر حال نباید از نظر دور داشت که وجه التزامی، مانند وجه اخباری، نیز می تواند در

ساخت هائی که عدم وابستگی فعل را نشان می دهد بکار رود:

۱۸). من مقداری استراحت کنم کار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جمله فوق ممکن است هنگامی بکار رود که شما می خواهید مخاطب را از استراحت قریب

الوقوع خود آگاه کنید و وقوع رخداد را هم وابسته به هیچ شرطی نکنید. کاربردهای غیر وابسته

وجه التزامی فراوان و متنوعند و تحقیقی جداگانه را می طلبد.

وجه امری تنها با زمان غیر گذشته و اغلب در جملات ساده بکار می روند:

۱۹). حسن این نامه را به مهدی بده!

۷. وجوه فعل و انواع بند

اصولاً مفاهیم التزامی، اخباری، امری برای طبقه بندی وجوه فعل بکار می روند. اما در

بعضی از تحلیل های دستوری، وجوه فوق بعنوان ملاکی برای طبقه بندی انواع جمله فارسی

نیز استفاده می شوند. بر این اساس، بندی که وجه فعلش اخباری است بند اخباری و بندی که

فعل آن التزامی است بندالتزامی خوانده می شود. چنین نگرشی به دو دلیل خالی از اشکال

نیست:

۱. از آنجا که در زبان فارسی وجهی بنام پرسشی وجود ندارد لذا در این نوع طبقه بندی نمی توان جایی برای جمله پرسشی در نظر گرفت، و اگر قرار باشد بندی بنام بند پرسشی داشته باشیم چنین بندی باید با ابزاری غیر از فعل (مثلاً آیا) مشخص شود.

۲. یکی از خصوصیات ضروری هر نظام مانعه الجمع بودن اجزاء تشکیل دهنده آن است. اما در اینجا همه اعضا دارای این ویژگی نیستند. مثلاً یک جمله در عین التزامی بودن می تواند پرسشی هم باشد. مثلاً یک جمله در عین اخباری بودن می تواند پرسشی هم باشد:

۲۰ الف. آیا حسن این کتاب را برای ایرج بخرد؟

ب. آیا حسن این کتاب را برای ایرج می خرد؟

۸. وجه در ساخت هائی با فعل کمکی و/یا فعل معین

در همه ساخت هائی که تا بحال بررسی کردیم، وجه با توجه به فعل اصلی جمله قابل تشخیص بود و به نظر نمی رسد بتوان جمله ای یافت که تعیین وجه فعل در آن غیر ممکن باشد. اما سوال این است که آیا وجه همواره بر اساس فعل اصلی جمله تعیین می شود؟ قبل از پاسخ، جملات زیر را ملاحظه نمائید:

۲۱ الف. مهدی نامه را نوشته است

ب. مهدی نامه را نوشته بود

ج. شاید مهدی نامه را نوشته باشد

در هیچ کدام از جملات فوق، فعل اصلی سر نخ از وجه بدست نمی دهد، بلکه این فعل کمکی است که وجه را مشخص می نماید. بنا براین وجه فعل در جملات (۲۱ الف-ب) اخباری و در جمله (۲۱ ج) التزامی است.

بررسی جملات ساده فارسی امروز ما را به این نتیجه رهنمون می سازد که در فارسی امروز، هر گاه گروه فعلی علاوه بر فعل اصلی، یک فعل معین و/یا یک یا بیش از یک فعل کمکی به همراه داشته باشد، دو مطلب زیر قابل پیش بینی است:

۱. وجه فعل مسلماً امری نیست،

۲. وجه با توجه به فعل کمکی و به ترتیبی که در زیر شرح می دهیم معین می شود.

یکم. ساختی با یک فعل معین

ساخت هائی که در آنها یکی از افعال معین **باید**، **می توان**، **می شود** / **می شد** وجود داشته باشد، وجه معمولاً اخباری است. تنها استثناء هنگامی است که فعل معین **باید** با فعل التزامی همراه می شود که در این صورت وجه التزامی است:

۲۲ الف. می توان رفت [اخباری]

ب. باید می رفتم [اخباری]

ج. باید بروم [التزامی]

دوم. ساختی با یک فعل کمکی

الف: اگر فعل کمکی علامت آینده ساز خواه و یا یکی از صورت های فعل داشتن باشد

وجه همواره اخباری خواهد بود:

۲۳) الف. فردا به مدرسه خواهیم رفت

ب. حسن دارد به مدرسه می رود

ب: اگر فعل کمکی یکی از صورت های بودن یا شدن باشد، وجه، را صورت فعل کمکی

تعیین می کند که یا اخباری یا التزامی خواهد بود:

۲۴) الف. حسن به مدرسه رفته است

ب. لباس دوخته شد

سوم. ساختی با دو فعل کمکی

الف: اگر یکی از کمکی ها علامت آینده ساز خواه باشد، وجه همواره اخباری خواهد بود:

۲۵) الف. نامه نوشته خواهد شد

ب. در دیگر حالت ها، آخرین فعل گروه فعلی نشانگر وجه خواهد بود که یا التزامی یا

اخباری است:

۲۶) الف. نامه نوشته شده است

ب. شاید نامه نوشته شده باشد

چهارم. ساختی با دو فعل کمکی و یک فعل معین

در چنین ساخت هائی، آخرین فعل کمکی در گروه فعلی وجه را نشان می دهد که همواره

التزامی است:

۲۷). میز باید ساخته شده باشد.

نتیجه گیری

طی این بحث توصیف وجه از نظر صوری و از نظر معنایی صورت گرفت و نشان داده شد که ایجاد تمایزی روشن بین این دو بعد ضروری است. آنگاه تحت عنوان دستوری شدگی رابطه بین این دو بعد تشریح شد. در این زمینه، با اشاره به فراوانی وجوه معنایی در زبان های گوناگون، توضیح داده شد که وجوه صوری از لحاظ تعداد محدود می باشند. و نیز گفته شد که هر گاه مقوله ای معنایی در قالب دستوری خاصی بیان شود آن مقوله را اصطلاحاً دستوری شده نامیده می شود.

وجوه فعل فارسی از نظر صوری ابتدا به دو دسته کلی اخباری و غیر اخباری تقسیم شد. سپس نشان داده شد که دسته اول تنها یک عضو و دسته دوم دو عضو دارند که به ترتیب عبارتند از: اخباری، امری، التزامی. ویژگی های صوری هر وجه نیز جداگانه مورد بحث قرار

گرفت. همچنین گفته شد که برخی از محققین وجوه صوری را برای دسته بندی انواع بند بکار می گیرند که این امر خالی از اشکال نیست.

وابستگی و ارتباط آن با وجه فعل مشخص شد. بسیاری از جمله هائی که بر وقوع مشروط رخداد دلالت دارند دارای فعل با وجه التزامی می باشند و بر عکس اکثر صورت هائی که نشانگر وقوع بی قید و شرط یک رخداد می باشند وجه فعلی اخباری دارند، هر چند در هر دو مورد استثنا های زیادی یافت می شود.

در انتها شیوه تعیین وجه فعل در انواع ساخت هائی که علاوه بر فعل اصلی دارای یک، دو یا سه فعل کمکی هستند توضیح داده شد.

یادداشت ها

1- Mood

2 - Modality

3 - Grammaticalization

۴- ما اصطلاح رخداد را در معنائی عام بکار می بریم که هر نوع عمل یا حالتی را که بوسیله یک فعل بیان می گردد در بر می گیرد.

5- Finite

۶- در تاریخ زبان فارسی وجهی هم بنام تمنائی وجود داشته است که با علامت / که بین ریشه فعل ظاهری شده از دیگر وجوه متمایز می گشته است. رد پای این وجه را در فارسی امروز تنها می توان در صورت های کم شماری از قبیل 'باد'، 'مریزاد' و امثالهم یافت. امروزه فارسی زبانان برای بیان تمنا یا دعا عموماً از وجه التزامی استفاده می کنند.

۷- Unmodalized

۸- Modalized

۹- Grammaticalized

۱۰- مثلاً کلمه /یا در فارسی یک عنصر دستوری و نشانه بند پرسشی است.

۱۱- باید توجه داشت که در جمله ای چون **حسن باید خانه را می فروخت** علیرغم وجه صوری فعل که اخباری است، وجه معنائی خبری نیست بلکه بر عملی دلالت دارد که انجام آن در گذشته ضرورت داشته است.

منابع

الف. منابع فارسی

۱. باطنی، محمدرضا (۱۳۶۴). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
۲. خانلری، پرویز (۱۳۶۶). *تاریخ زبان فارسی*. جلد دوم. تهران: نشر نو.
۳. شفائی، احمد (۱۳۶۳). *مبانی علمی دستور زبان فارسی*. تهران: نوین.

۴. وحیدیان کامگار، تقی (۱۳۷۳). وجه التزامی و زمانهای افعال. مجله زبانشناسی، شماره دوم، پائیز و زمستان.

ب. منابع انگلیسی

1. Huddleston, R. D. (1993). *Tense, Aspect and Mood*. Unpublished Lecuture Notes.
2. Sadock, J. and Zwicky, A. M. (1985). *Speech Act Distinction in Syntax*. In Shopen, T. (ed.) **Typology and Syntactic Description**. vol.1, Cambridge: Cambridge University Press. pp. 155-196.

